

# اعتراض به جنگ در اسرائیل

## این قسمت: دانشگاه

**روح‌الله طالبی توتی**  
**پژوهشگر گروه حکمرانی آموزش عالی مرکز کوثر دانشگاه تهران**

موضع داشتن نهادی در مورد جنگ، به‌ویژه در کشورهایی که خود درگیر آن اند، افزون بر واکنش هاو مواضع فردی مورد توجه قرار می‌گیرد. نفس موضع داشتن یک نهاد و، در گامی پتر، هم‌سویی با موضع رسمی حاکمیتی یا عدم آن، می‌تواند به چالش‌ی بزرگ تبدیل شلمه و پرسش‌هایی پیرامون انگیزه‌های این مواضع برانگیزد. مناقشات میان جمهوری اسلامی ایران و دولت اسرائیل که از ابتدای دهه حاضر تشدید شد و با مجموعه درگیری‌های، اخیراً با تهاجم تجاوزگرانه اسرائیل به ایران، به یک جنگ تحمیلی مستقیم بدل گشت، شاید مهم‌ترین مسئله حال حاضر هر دو سوی این درگیری باشد. در این میان، موضع‌گیری دانشگاهیان در باره جنگ، در حوزه مطالعات دانشگاه، قابل توجه خواهد بود. در این نوشتار بر موضع دانشگاهیان اسرائیل نسبت به تنش‌های اخیر با ایران و البته جنگ جنایتکارانه دولت اسرائیل در غزه تمرکز شده است تا از خلال آن بتوان نقش و نسبت دانشگاهیان اسرائیل در جنگ را واکاوید.

در فروردین ۱۴۰۳ (آوریل ۲۰۲۴)، از نخستین ساعات پس از حمله مستقیم ایران به خاک اسرائیل تحت‌عملیات «وعده‌صادق» و در پاسخ به اقدامات متعدد اسرائیل علیه ایران، از جمله حمله به کنسولگری ایران در دمشق، که با پهادها و موشک‌های میان‌برد صورت گرفت و تل‌آویو را هدف قرار داد، دانشگاهیان رشته‌های امنیت ملی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای واکنش‌های خود را به‌طور عمده در قالب مقالات تخصصی و گزارش‌های فنی منتشر کردند. اندیشکده «مرکز مطالعات امنیت ملی» در گزارشی، «عملیات وعده‌صادق» را نشانه تغییر رویکرد ایران از استراتژی درگیری نیابتی به اراده‌ورپارویی مستقیم دانست که ضرورت تعریف مجدد موازنه قدرت در خاور میانه را آشکار کرد. این گزارش، تادام‌بازدارندگی اسرائیل را نه‌تنها در ارتقای سامانه‌های پدافند موشکی مانند گنبد آهنین و پاتریوت، بلکه نیازمند پیوند راهبردی فشرده‌تر با ایالات متحده و کشورهای خلیج فارس عنوان کرد تا خطوط لجستیکی جمهوری اسلامی در حمله‌های آتی مسدود شود.

لایه دیگری از پژوهش‌های نهادی -برای نمونه در مرکز مطالعات بگین سادات وابسته به دانشگاه بارایلان- با تحلیل هزینه-فایده نظامی این عملیات، تلاش کردند جنبه نمایشی و روانی حملات ایران را برجسته کنند تا آن‌که تأثیر آن در تضعیف زیرساخت‌های نظامی اسرائیل را نشان دهند. این پژوهش‌ها، با استناد به داده‌های میدانی 'ACLED در باره حجم حملات ایران و آسیب‌های آن، بار مالی موشک‌ها و پهادهای ایران را با میزان خسارت‌های واقعی نامتناسب عنوان کردند و معتقد بودند اگرچه ایران توانسته است تابوی «حمله مستقیم» به اسرائیل را بشکند، اما سازوکار دفاع هوایی اسرائیل و پشتیبانی اطلاعاتی آمریکا و کشورهای اروپایی به اعتبار بازدارندگی اسرائیل افزوده است. این دست تحلیل‌ها بازتاب دیدگاه غالب امنیتی دانشگاهیان حامی سیاست‌های رسمی دولت بود که در اغلب نوشته‌های مشابه بازتولید شده و تلو یحاً تهدیدهای ایران را کم‌اهمیت جلوه می‌دادند.

استاد دانشگاهی در اسرائیل نیز به‌طور فعالانه به عملیات وعده‌صادق پرداختند و تلاش داشتند، ضمن ارائه تحلیل خود از این عملیات، سناریوهایی نیز برای آینده تجویز کنند. دکتر منیر فینکل، ضمن مروری بر تاکتیک‌های جنگی دولت اسرائیل در تقابل با حزب‌الله، حماس و ایران، صراحتاً پیشنهاد می‌دهد که تنها گزینه پیش رو برای اسرائیل، بازگشت به رویکرد حمله پیش‌دستانه برای ریشه‌کن کردن تهدیدهاست. دکتر اوزی روبین نیز، با این‌که اراده ایران برای حمله مستقیم به اسرائیل را شجاعانه توصیف و حجم حمله در عملیات وعده‌صادق را گسترده عنوان کرد، با تمرکز بر موقعیت رهگیری موشک‌های ایرانی چنین جلوه‌داد که تهدید واقعی ایران کمتر از آن چیزی است که تصور می‌شود. این تحلیل نیز به‌طور غیرمستقیم مشروعیت اقدامات بعدی اسرائیل -حتی در قالب حمله مستقیم به خاک ایران- را توجیه می‌کرد.

این تجویزها نهایتاً در ژوئن ۲۰۲۵ (خرداد ۱۴۰۴) عملی شد و رژیم اسرائیل جنگی ناگهانی و یک‌جانبه‌ای را علیه ایران آغاز کرد. با وجود آن‌که حملات اسرائیل از آغاز، به دلیل حمله به مناطق مسکونی، با نقض قوانین بین‌المللی جنگ همراه بود، دانشگاهیان اسرائیلی همچنان موضع خود‌پیرامون مشروعیت اقدامات اسرائیل علیه ایران را حفظ کردند و خواستار تشدید حملات بودند. دانشگاه‌عبری اورشلیم، در خلود جنگ، نتایج پژوهشی را منتشر کرد که نشان می‌داد اکثریت قریب به اتفاق یهودیان اسرائیلی از جنگ علیه ایران حمایت می‌کنند و ۳۵ درصد باور دارند حتی اگر ایالات متحده خواستار توقف جنگ شود، اسرائیل نباید آن را بپذیرد. این پژوهش مشخصاً در مقام مشروعیت‌بخشی به جنگ از طریق تکیه بر خواست عمومی برآمد. علاوه بر این، در ابتدای جنگ، پروژه‌ای در دانشگاه بارایلان توسط دکتر لونی رنه مطرح بود و در آن صراحتاً چنین پیشنهاد شد که چون ایران ممکن است اسرائیل را به یک جنگ فرسایشی و بی‌پایان موشکی بکشاند، دولت نتانیا‌هو باید حمله هسته‌ای علیه ایران را به‌عنوان «منطقی‌ترین و انسانی‌ترین رویکرد برای بقای ملی اسرائیل» در دستور کار قرار دهد.

اما پس از شدت گرفتن حملات متقابل ایران و به‌ویژه هدف قراردادن مؤسسه علوم وایز من، دانشگاهیان اسرائیل تلاش کردند ایران را به دلیل حمله به مراکز علمی محکوم کنند. هآرتص تأیید کرد که چندین دانشگاه اسرائیلی در حملات ایران به‌شدت آسیب دیده‌اند و علاوه بر مؤسسه علوم وایز من، دانشگاه بن‌گوریون در نقب و دانشگاه تل‌آویو نیز خسارت‌های بسیاری متحمل شدند. دکتر دنیل چاموویتز، رئیس انجمن رؤسای دانشگاه اسرائیل، در گفت‌وگو با این روزنامه، هدف ایران را «حمله به آموزش عالی و پژوهش اسرائیل» عنوان کرد. او خسارات وارده به دانشگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها را بسیار شدید و واقعی دانست و بیان داشت مشخص نیست اسرائیل چه زمانی بتواند ده‌ها سال تحقیقات

نابودشده را جبران کند.

اما گزارش‌های دیگر واقعیت‌هایی ناگفته را آشکار می‌کرد. گزارشی در باره حمله ایران به مراکز دانشگاهی، به این واقعیت اذعان کرد که موشک‌های ایرانی مستقیماً به مؤسسات مرتبط با نهادهای دفاعی و اطلاعاتی اسرائیل اصابت کرده‌اند. پیش‌تر، دکتر چاموویتز نیز اعتراف کرده بود: «تمام خلبانان نیروی هوایی که در ۲۰ سال گذشته آموزش دیده‌اند، فارغ‌التحصیل دانشگاه بن‌گوریون نب هستند. تقریباً تمام افسران ارشد در بخش‌های تحقیقاتی واحدهای اطلاعاتی، فارغ‌التحصیل این دانشگاه‌ها هستند. گنبد آهنین، فلاخن داوود و بقیه سیستم‌های دفاع هوایی، ثمره فناوری‌هایی هستند که از تحقیقاتی که در دانشگاه‌های اسرائیل آغاز شده، سرچشمه می‌گیرد.»

این واقعیت که دانشگاه‌ها در اسرائیل -به‌ویژه در حوزه‌های امنیتی و اطلاعاتی- نسبت غیرقابل انکاری با سیاست‌های رژیم دارند، توجیه‌گر مواضع دانشگاهی در قبال جنگ علیه ایران است. با این حال، واکنش دانشگاهیان به جنگ غزه که از اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شده و تاکنون ادامه دارد، به‌مرور رنگ و بوی متفاوتی به خود گرفت. مخالفت‌های دانشجویی با اقدامات اسرائیل در غزه، تفاوتی مهم در واکنش دانشگاهیان به جنگ بود. هرچند پس از آن‌که گروه‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها نسبت به اقدامات جنایتکارانه اسرائیل در غزه دست به اعتراض زدند، رؤسای ۹ دانشگاه اسرائیلی بیانیه‌ای صادر و در آن، ضمن تبرئه دولت اسرائیل از اتهام نسل‌کشی و آپارتاید، اعتراضات دانشجویی را محکوم کردند. ان‌پی‌آر، در گزارشی که از سرکوب اعتراضات دانشجویی در اسرائیل منتشر کرد، خبر داد که صدها دانشجوی عرب دانشگاه‌های اسرائیلی -به‌ویژه در صورت‌ابراز مخالفت با جنگ غزه- با تعلیق و بر خورد انضباطی مواجه شدند؛ برخوردهایی که تحت عنوان «ممنوعیت حمایت از تروریسم» حتی در میان گروه‌های دانشجویی توجیه می‌شد. دانیل آمار، رئیس اتحادیه دانشجویان دانشگاه حيفا، صراحتاً حمایت خود را از اخراج دانشجویانی که از حماس یا عملیات ۷ اکتبر (طوفان الاقصی)دفاع کرده‌اند، اعلام کرد. در این گزارش، یکی از دانشجویان می‌گوید: «اگر بگویم که مخالف نسل‌کشی هستم، مخالف جنگ در غزه هستم. اگر بگویم مخالف کشتن غیرنظامیان در غزه هستم، احساس می‌کنم که دانشجویان و مسئولان دانشگاه من را یک تروریست می‌دانند.» این عبارت به‌خوبی تصویر تش و شکاف میان دانشجویان را نشان می‌دهد. این شکاف و اختلاف‌نظر میان دانشگاهیان، خلاف درگیری‌ها با ایران، در خلال جنگ غزه نمود بازتری دارد و موجب شده تا صدای دیگری نیز از دانشگاهیان اسرائیلی شنیده شود؛ صدایی در مخالفت با رژیم اسرائیل و جنگ در غزه. هر چند شاید محکوم کردن جنایات اسرائیل برای مردم جهان امری عادی به نظر برسد، آن‌چنان که نمرود فلائنبِرگ، تحلیلگر اسرائیلی، به صراحت می‌گوید، در میان اسرائیلی‌ها همدردی با رنج فلسطینیان همچنان یک تابوی عمومی به شمار می‌رود. از این رو، مخالفت دانشگاهیان با جنگ غزه امری قابل تأمل خواهد بود.

رافائل گرینبرگ، استاد دانشگاه تل‌آویو که از جمله دانشگاهیان معترض به جنگ غزه است، در گفت‌وگو با الجزیره به این نکته توجه می‌دهد که اعتراض به جنایات جنگی دولت، کم‌اهمیت‌تر از اصلاحات قضایی نیست و باید این اجازه به دانشگاهیان داده شود تا صدایشان را به گوش همه برسانند. الجزیره در این گزارش، بیانیه بیش از ۱۲۰۰ نفر از اساتید دانشگاه را پوشش داده که در آن از رؤسای دانشگاه‌ها خواسته‌اند تا صدایشان را برای توقف جنگ در غزه بلند کنند. دکتر دانی فیلک، استاد دانشگاه بن‌گوریون که یکی از امضانندگان این بیانیه است، خود از بنیان‌گذاران جنبش Standing Together بوده که برای ایجاد صلح در فلسطین تلاش می‌کند و خواستار اجماع آموزش عالی برای توقف جنگ در غزه است.

ایسن‌نامه که در ادامه بیانیه‌ها و نامه‌های متعدد مخالف جنگ غزه از درون دانشگاه‌های اسرائیل است، یک تفاوت اساسی دارد و آن تمرکز بر رنج فلسطینیان و محکوم کردن سکوت در قبال این رنج است. در این بیانیه آمده است: «ما به عنوان دانشگاهیان، خود را در این جنایات سهیم می‌دانیم. نه فقط دولت‌ها، که جوامع بشری نیز مرتکب جنایات علیه بشریت می‌شوند. برخی این کار را با خشونت مستقیم انجام می‌دهند. برخی دیگر این کار را با تأیید جنایات و توجیه آن و با سکوت و خاموش کردن صداهای مخالف در دانشگاه انجام می‌دهند. سکوت ماست که اجازه می‌دهد این جنایات کاملاً آشکار بدون وقفه ادامه یابند. نه نمی‌توانیم ادعا کنیم که نمی‌دانستیم. ما مدت زیادی سکوت کرده‌ایم و اگر فوراً خواستار توقف جنگ نشویم، تاریخ ما را نخواهد بخشید.» این بیانیه با صراحت، جنگ کنونی در غزه را محکوم کرده و آن را فاقد اهداف روشن و قابل دستیابی می‌داند. امضانندگان که از طیف وسیعی از رشته‌های دانشگاهی و مؤسسات آموزش عالی در سراسر اسرائیل گرد هم آمده‌اند، استدلال می‌کنند که وعده دولت مبنی بر «پیروزی کامل» و نابودی حماس، یک هدف غیر واقعی و گمراه‌کننده است. از دیدگاه این دانشگاهیان، ادامه جنگ نه‌تنها این هدف را محقق نمی‌کند، بلکه منجر به تلفات انسانی فزاینده در میان فلسطینیان و سربازان اسرائیلی، نابودی گسترده زیرساخت‌ها در غزه و فرسایش شدید جایگاه بین‌المللی اسرائیل می‌شود. آنان معتقدند که این جنگ، اسرائیل را به سمت یک بحران عمیق سیاسی، اخلاقی و اقتصادی سوق می‌دهد و امنیت شهروندان را در بلندمدت تأمین نخواهد کرد. یکی از محورهای کلیدی بیانیه، فراخوان برای پایان فوری جنگ و تمرکز بر راه‌حل‌های دیپلماتیک است. این موضع، در تقابل مستقیم با استراتژی دولت نتانیا‌هو قرار می‌گیرد که اغلب فشار نظامی را به عنوان اهرمی برای حفظ امنیت اسرائیل و البته آزادی گروه‌گان‌ها معرفی کرده است.

فرا تر از درخواست برای پایان جنگ، توجه این بیانیه به رنج فلسطینیان، به ریشه‌های عمیق‌تر درگیری توجه می‌دهد. کنترل مستمر رژیم اسرائیل بر میلیون‌ها

فلسطینی و اشغال سرزمین‌های فلسطینی به عنوان هسته اصلی منازعه اسرائیل و فلسطین شناخته شده و تا زمانی که این وضعیت بنیادین حل نشود، نمی‌توان به صلح و امنیت پایدار دست یافت. این موضع‌گیری، جنگ کنونی را نه به عنوان یک رویداد مجزا، بلکه به عنوان یکی از خونی‌ترین فصول یک درگیری طولانی‌مدت معرفی می‌کند که ناشی از سیاست‌های اشغالگرانه اسرائیل است. بسا وجود آن‌که انتظار می‌رفت این مخالفت‌ها هم‌چنان به عنوان یک صدای حاشیه‌ای خفه شود، با شدت گرفتن جنایات بی‌سابقه اسرائیل در غزه و به‌ویژه ایجاد قحطی مصنوعی و افزایش جان‌باختگان فلسطینی ساکن غزه از گرسنگی، سطح اعتراضات دانشگاهی از افراد به نهادها نیز سرایت یافت. در یکی از آخرین اقدامات قابل توجه، رؤسای ۵ دانشگاه بزرگ اسرائیل از جمله رئیس دانشگاه عبری اورشلیم و دانشگاه تل‌آویو که پیش‌تر اعتراضات دانشجویی در محکومیت جنگ غزه را سرکوب کرده بودند، مخالفت خود را با اقدامات دولت در غزه اعلام کرده و طی بیانیه‌ای از نتانیا‌هو خواستند تا به گرسنگی در غزه پایان دهد و نسبت به پیامدهای فاجعه‌بار اقدامات اسرائیل هشدار دادند. این بیانیه جدا از اصل اعلام مخالفت با سیاست‌های جنگی رژیم، نکاتی را در خـود جای داده که می‌تواند منجر به موج و نوع جدیدی از مخالفت‌های دانشگاهی با جنگ غزه در اسرائیل شود. در این بیانیه، رؤسای دانشگاه‌ها خواستار محکومیت هرگونه اقدام عملی و کلامی مسئولان اسرائیلی در مورد اخراج فلسطینیان، استفاده از سلاح هسته‌ای یا تداوم گرسنگی شدند و در بخشی از آن نوشتند: «به عنوان مردمی که وحشت هولناک‌ست را تحمل کرده‌اند، ما نیز مسئولیت داریم که از هر وسیله‌ای که در اختیار داریم برای جلوگیری از آسیب‌های بی‌رحمانه و بی‌تعصیب‌آمیز به مردان، زنان و کودکان بی‌گناه استفاده کنیم.»

مقایسه جنایات اسرائیل در غزه با هولناک‌ست که اصلی‌ترین دستاویز صهیونیسم برای توجیه ایجاد یک کشور یهودی در سرزمین فلسطین بوده است، از یک تغییر رویکرد جدی در دانشگاهیان اسرائیل حکایت دارد. متهورانه بودن این اقدامات در فضای کنونی اسرائیل از چشم رسانه‌ها دور نمانده است. در شرایطی که جامعه اسرائیل پس از حملات ۷ اکتبر به شدت دچار ترما شده و فضای عمومی به سمت راست‌گرایی و نظامی‌گری سوق یافته است، ابراز مخالفت صریح با جنگ، یک اقدام پرخطر محسوب می‌شود. دانشگاهیان و فعالانی که علیه جنگ صحبت می‌کنند، با اتهاماتی نظیر «عدم وفاداری» یا «خیانت» و «حامیت از دشمن» مواجه می‌شوند و ممکن است امنیت شغلی و شخصی آنان به خطر بیفتند. در چنین فضایی، سازماندهی و امضای چنین بیانیه‌هایی توسط دانشگاه‌ها، وجود یک جریان مخالف قابل توجه و مصمم در داخل اسرائیل را نشان می‌دهد که حاضر به سکوت در برابر سیاست‌های جنایتکارانه رژیم نیست.

اما چگونه می‌توان تکه‌های این پازل سردرگم‌کننده را کنار یکدیگر قرار داد؟ هم‌اکنون ما به‌جانبه و قاطع از جنگ با ایران چگونه به مواضع ضدجنگ در غزه هم‌ساز است؟ سرکوب اعتراضات دانشجویی در مخالفت با جنگ غزه توسط دانشگاه‌ها و بیانیه‌های دانشگاهی ضدجنگ در شرایطی که فضای عمومی جامعه اسرائیلی اتفاقاً با جنگ همراه است، چه توجیهی دارد؟ در نهایت، صدای دوگانه دانشگاهیان اسرائیل در نسبت با جنگ از چه ناشی می‌شود؟ این تضاد در واکنش‌های دانشگاهیان اسرائیل به جنگ، می‌تواند نمایانگر تفاوت‌های عمده در ماهیت تهدیدات، فشارهای اجتماعی و سیاسی و البته تأثیرات جامعه بین‌المللی باشد که نمی‌توان از آن چشم پوشید. در جنگ با ایران، دانشگاهیان اسرائیل غالباً از سیاست‌های امنیتی دولت حمایت می‌کنند و این حمایت به‌ویژه در میان نهادهای علمی و استراتژیک پررنگ‌تر است؛ زیرا ماهیت تهدیدات ایران که به‌ندجوی تهدید «جودی» و «حیاتی» به‌شمار می‌رود، دانشگاهیان اسرائیل را به همراهی با دولت و نهادهای امنیتی مجاب کرده است. جامعه اسرائیلی به‌ویژه پس از تجربه حملات مستقیم ایران در عملیات‌های وعده‌صادق، درک ملموس‌تری از تقابل با ایران دارد و میاساست‌های خصمانه دولت نتانیا‌هو در قبال ایران به نوعی رویکرد امنیتی عمومی و اجماعی بدل شده است، به‌ندجوی که غالب اسرائیلی‌ها از آن حمایت می‌کنند. البته پس از شدت گرفتن حملات ایران طی جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و افزایش میزان خسارات و آسیب‌های اهداف مشروع در میانه شهرها، در نسبت با عملیات‌های پیشین که مراکز نظامی دوتر را در مناطق شهری هدف حمله بود، نگرانی از تداوم تقابل با ایران افزایش یافته است. اما از سوی دیگر احتمالاً نه دولت اسرائیل و نه ساکنان سرزمین‌های تحت حاکمیت اسرائیل نمی‌خواهند با یک تهدید دائمی قدرتمند روبه‌رو باشند. در این شرایط نه‌تنها توافق همگانی برای مقابله و تلاش برای حذف تهدید ایران یک گز ینه قابل تأمل به نظر می‌آید، بلکه ریسک‌هایی چون حمله هسته‌ای که احتمال دارد ضربه‌ای سهمگین به ایران و ضمانت‌کننده پیروزی قطعی و امنیت طولانی مدت اسرائیل باشد نیز معقول است و دانشگاهیان نیز ابایی از تجویز آن و چشم‌پوشی از پیامدهای غیراخلاقی و غیرانسانی آن ندارند.

اما در جنگ غزه، همه چیز به‌ندجوی قابل توجهی متفاوت است. در این جنگ، ابعاد انسانی و اخلاقی به‌طور برجسته‌تری مطرح شده است و با توجه به تصاویر و گزارش‌های جهانی از کشتار غیرنظامیان و بحران‌های انسانی در غزه، فشارهای اجتماعی و سیاسی به دانشگاهیان اسرائیل برای محکومیت این اقدامات به‌طور فزاینده‌ای تشدید می‌شود. جامعه بین‌المللی در این زمینه واکنش‌های شدیدی نشان داده است و این موضوع باعث شده که دانشگاهیان اسرائیل به‌ویژه در خارج برای حفظ چهره علمی و نخبگانی خود تحت فشار قرار بگیرند. دانشگاهیان اسرائیل که به‌طور سنتی روابط گسترده‌ای با دانشگاه‌های بین‌المللی دارند، برای حفظ اعتبار علمی و روابط بین‌المللی خود ناچار به اتخاذ موضع انتقادی در برابر سیاست‌های دولت اسرائیل در این زمینه‌اند.

در واقع، دانشگاه‌ها در این موقعیت تلاش می‌کنند که از یک‌سو از فشارهای جهانی اجتناب کرده و از سـوی دیگر، مواضع خود را در سطح داخلی نیز به‌گونه‌ای تنظیم کنند که هم‌چنان بتوانند حافظ ارتباط خود با نهادهای امنیتی و اطلاعاتی باشند. این دوگانگی در واکنش‌های دانشگاهیان نشان‌دهنده چالش‌های پیچیده‌ای است که نهادهای علمی اسرائیل در شرایط بحران‌های سیاسی و اجتماعی با آن روبه‌رو هستند. آن‌ها باید هم‌زمان از یک‌سو از حیثیت و اعتبار علمی خود دفاع کنند و از سـوی دیگر در برابر فشارهای مخالفان جنگ، مجبور به اتخاذ مواضع انتقادی نسبت به سیاست‌های دولت شوند تا نسبت عمیق خود با نهادهای نظامی و امنیتی را به حاشیه ببرند. این دست موضع‌گیری‌هـای انتقادی در برخی موارد لازمه ادامه حیات علمی نهادهای دانشگاهی اسرائیل نیز خواهد بود.

با وجود توجه دیرینه‌گام و جانب‌دارانه جامعه بین‌المللی به جنایات جنگی اسرائیل در غزه، با پیش‌روی اسرائیل در جنگ، موج انتقادات گسترده‌ای روانه دولت نتانیا‌هو شده است و به‌مرور یکپاک مخالفت‌ها از شخص نتانیا‌هو و کابینه او به سوی اقداماتی علیه اسرائیل سوق یافته است. بخشی از این مخالفت‌ها در تحریریه‌ها و محدودیت‌ها علیه نهادهای دانشگاهی تبلور یافته که منجر به اقداماتی چون تعلیق عضویت اسرائیل در انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی و تحریم‌های گسترده علیه دانشگاه‌های اسرائیل در اروپا شده است؛ واکنش‌هایی که بنا بر گزارش‌ها ضربات قابل توجهی بر موقعیت علمی دانشگاه‌ها و به تبع، تأثیرات اجتماعی و اقتصادی دانشگاه‌ها در اسرائیل وارد کرده است.

در مقایسه با جنگ غزه، جنگ با ایران فاقد چنین فشارهای بین‌المللی آشکاری است. بسیاری از کشورها و نهادهای بین‌المللی، حتی اگر مخالف برخی سیاست‌های اسرائیل در قبال فلسطینیان باشند، بخشی از این مخالفت‌ها حمایت خود را از اسرائیل اعلام کرده‌اند تا آن‌جا که اتهامات برخی از این نهادها و قطعنامه‌هایی که علیه ایران صادر شده است، برای اسرائیل دستاویز توجیه جنگ علیه ایران بوده است. به همین دلیل، دانشگاهیان اسرائیل در این زمینه احساس نیازی به اتخاذ مواضع انتقادی ندارند و بیشتر کنش‌های خود را در جهت تقویت سیاست‌های دولت و البته مقابله هرچه جلدی‌تر با ایران تنظیم می‌کنند. این صدای دوگانه تنها نشان‌دهنده اختلافات داخلی دانشگاهیان اسرائیل در مواجهه با بحران‌ها نیست، بلکه تأثیرات عمیق‌تر روابط بین‌المللی بر سیاست‌های داخلی و تنظیم روابط دولت و دانشگاه را نمایان می‌کند؛ جایی که اتخاذ مواضع ضد جنگ و خلاف سیاست‌های حاکمیت، می‌تواند به ابزاری برای حمایت پنهان از دولت محسوب شود. با این حال، در میان تمام این فشارها و پیچیدگی‌ها، واقعیت غیرقابل انکاری که باقی می‌ماند این است که اگر دانشگاه در اسرائیل بخواهد خود را نسبت به سیاست‌های جنگ‌افروزانه دولت بی‌طرف نشان دهد، نمی‌تواند در نهایت از هویت پرساخته خود به‌عنوان یک نهاد اسرائیلی فرار کند. زیستن تحت حاکمیت دولتی که به اذعان سردمدارانش، بقای آن به جنگ علیه دیگران وابسته است، قطعاً بر کنشگری سیاسی افراد و نهادها تأثیر می‌گذارد. این تضاد، در چه در سطح فردی و چه در سطح نهادهای دانشگاهی، همچنان پابرجاست و به‌نظر می‌رسد زندگی در میانه بحران و جنگ و اشغال و به‌ویژه در سمت عاملان آن، در نهایت بر جهت‌دهی صداهای دانشگاهی در اسرائیل اثرگذار خواهد بود؛ یا پیدا چون جنگ با ایران و یا پنهان، چون جنگ در غزه.

### پانوش

۱. این یادداشت به‌منظور توصیف موضع دانشگاهیان اسرائیل نسبت به جنگ‌هایی که رژیم اسرائیل ایجاد کرده به نگارش در آمده است و جز مواردی که در متن تصریح شده، این مواضع را تأیید یا رد نمی‌کند.

۲. ACLED یک سازمان و پایگاه داده‌ی بین‌المللی است که اطلاعات مربوط به مکان، تاریخ و جزئیات حوادث مرتبط با منازعات مسلحانه، خشونت‌های سیاسی و اعتراضات را جمع‌آوری، ثبت و به‌صورت آزاد منتشر می‌کند. داده‌های این سازمان توسط پژوهشگران علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تحلیل‌گران امنیتی استفاده می‌شود و نقشی کلیدی در تحلیل داده‌محور روندهای امنیتی و سیاسی کشورها ی گوناگون دارد.



## آگهی مزایده عمومی

اورژانس جهت ارائه خدمات درمانی دندان پزشکی

۲. **تاریخ انتشار آگهی در سامانه:** از ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۵/۲۰

۳. **مهلت دریافت اسناد مزایده:** تا ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۵/۲۵

۴. **مهلت نهایی بارگذاری پیشنهادها در سامانه:** تا ساعت ۱۴:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۶/۵

۵. **تاریخ و ساعات بازدید از محل:** از تاریخ ۱۴۰۴/۵/۲۶ لغایت۱۴۰۴/۶/۱، همه‌روژه از ساعت ۱۰:۰۰ الی ۱۲:۰۰

۶. **زمان بازگشایی پاکت‌ها:** رأس ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۶/۸ در محل دفتر مدیریت مرکز، توسط کمیسیون مزایده:

۷. **میزان و نوع تضمین شرکت در مزایده:**

- مبلغ تضمین: ۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (معادل سی وشش میلیون تومان)
- نحوه ارائه: از طریق ضمانت‌نامه بانکی معتبر یا واریز وجه نقد

به‌حساب زیر:

□ شماره‌حساب: ۴۰۰۱۰۹۹۹۰۷۱۴۷۳۸۶

□ شماره شبا: IR ۷۲۰۱۰۰۰۴۰۰۱۰۹۹۹۰۷۱۴۷۳۸۶

□ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نام مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی سسل و بیماری‌های ریوی دکتر مسیح دانشوری

۸. **شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران:** ۵۰۰۴۰۵۸۶۰۰۰۰۰۰۲

۹. **هزینه انتشار آگهی:** به عهده برنده مزایده خواهد بود.